توجه دانی که جنگ چیست!

در پرونده امروز سری به سینمای دفاع مقدس و ۹ فیلم خاص آن زده‌ایم. هدف این است تا فیلم‌هایی که جنگ را به طور عینی تصویر کرده‌اند به یاد بیاوریم، سازندگان چگونه بخشی از صحنه‌های مخوف جنگ را پیش‌روی‌مان قرار دادند

احمد رنجبر
هفت صبح

اتفاق خوب سینمای ما این است که وجه عارفانه دفاع مقدس را بیشتر برجسته کرده. رزمندگان هشت سال دفاع مقدس خالصانه از کشور دفاع کردند و طبیعی است که این خوی و منش جایی ثابت در فیلم‌ها داشته باشد. با این حال حرف جنگ است و جنگ یعنی خشونت. برخی فیلم‌ها موفق شده‌اند بخش‌هایی از این ویژگی را نشان دهند و خیلی از آثار هم در تصویری کردن آن ناموفق بوده‌اند. یکی از دلایل اصلی این ناکامی به عدم توانایی سازندگان و نیز کمبود امکانات برمی‌گردد. فیلم‌های موفق اما سعی کرده‌اند روی خشن جنگ را پیش‌روی مخاطب قرار دهند. مخاطب با دیدن این نوع فیلم‌ها خودش را در وسط معرکه احساس می‌کند و طبعا همدات پنداری‌اش با قهرمان‌ها بیشتر می‌شود. در پرونده امروز ۹ مورد از این فیلم‌ها که در تصویری کردن صحنه‌های جنگ موفق بوده‌اند، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. درباره کیفیت محتوایی فیلم‌ها و نیز موفقیت آن‌ها نیز نوشته‌ایم.

پیش درآمد

جایگاه سینمای استراتژیک

چرا سینماگران کمتر سراغ روایت دراماتیک از اتفاق‌های مهم می‌روند؟ کارنامه سینما در این باره چیست؟

فیلم‌های مطالعاتی

ناراحمی‌های چندین سانه خاورمیانه و در رأس آن ظهور پدیده داعش، سوژه‌ای است که سال‌ها در سینمای داستانی معقول مانده بود و تلاش‌هایی چون «آوازهای سرزمین من» به بار ننشست. «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا تصویری تکان‌دهنده از داعش پیش چشم مخاطبان قرار داد و پلشتی این گروهک تکفیری را در قالب یک داستان سرگرم‌کننده، روایت کرد. «میراطور جهنم» و «شکارچی شنبه» ناموفق بودند. فیلم «سی‌وسه‌روز» حماسه مردم لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی را به تصویر کشید که اثری متوسط است.

فیلم‌های جنگی

سینماگران ما فیلم‌های زیادی با موضوع دفاع مقدس ساخته‌اند اما همچنان سوژه‌های بکری وجود دارد که می‌تواند دستمایه تولیدات سینمایی شود. نمونه تازه‌اش فیلم «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی است که توانست گوشه‌ای مغفول مانده از جنگ هشت‌ساله را به تصویر بکشد. این فیلم بی‌عیب نیست و ایرادهای زیادی می‌توان از آن گرفت؛ حتی می‌توان مدعی بود نتوانسته آن‌طور که باید حق مطلب را درباره سوژه‌ادا کند. با این حال مهم‌ترین کارکردش این بود که به یادمان آورد، دفاع مقدس ظرفیتی تمام‌نشدنی برای پرداخت سینمایی و گام‌برداشتن در مسیر سینمای استراتژیک است.

فیلم‌های شخصیت‌محور

فیلم‌های شخصیت‌محور، یکی دیگر از زیرشاخه‌های مهم سینمای استراتژیک محسوب می‌شود که در کشور ما مغفول مانده حتی «فرزند صبح» با موضوع زندگی امام(ره) هنوز اکران نشده است. در این میان ابراهیم حاتمی‌کیا با برجسته کردن بخشی از زندگی دکتر چمران در فیلم «چ»، ضمن نمایش وجهی دیگر از او، چهره‌هایی چون شهید اصغر وصالی و تیمسار فلاحی را به نسل جدید شناساند. «ایستاده در غبار» دیگر فیلم مهم چندسال اخیر است که محمدحسین مهدویان آن را با محوریت زندگی جاویدالاثر، حاج‌احمد متوسلیان ساخت. این فیلم هم سهم زیادی در معرفی این فرمانده و البته بخشی از تاریخ معاصر داشته است.

با موضوع گروهک منافقین

مجموعه اتفاقاتی که برای گروهک منافقین رخ داد، پتانسیل بالایی برای تبدیل به فیلم سینمایی دارد. بهروز صمیمی با «سیانور» علاوه بر درامتیزه کردن بخشی از تاریخ معاصر، ماجرای جدایی مجید شریف‌واقفی را که کرایش به اسلام داشت و متوجه انحراف سازمان مجاهدین شده بود، به تصویر کشید. محمدحسین مهدویان گوشه‌ای دیگر از انحراف گروهک منافقین را سینمایی کرد؛ «ماجرای نیمروز» روایتی بدیع از تروریحای سال ۶۰ توسط این گروه است. این فیلم مورد توجه خاص و عام قرار گرفت و مهدویان را برای ساخت دنباله آن ترغیب کرد. «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» به اندازه قسمت اول موفق نبود اما همین که سراغ یک سوژه دفع رفت، واجد تحسین است.

صحنه‌های تکان‌دهنده در دل معرکه

درباره ۹ فیلم شاخص دفاع مقدس که جنگ را پیش چشم‌مان قرار دادند؛ گویی با یک مستند روبه‌رو هستیم. هر کدام صاحب چه ویژگی‌ای هستند و چرا صحنه‌های نبردشان در ذهن باقی مانده است

این بدیهی‌ترین کارکردی است که یک فیلم جنگی دارد: نمایش صحنه‌های نبرد و درگیری. وقتی قصه در خاکریز بگذرد، نمایش جنگ هم بدیهی است. با این حال خیلی از فیلم‌ها در نمایش چهره واقعی و درست جبهه ناموفق بوده‌اند. برخی فیلم‌ها نیز فاقد کیفیت‌اند و از این گزارش بیرون هستند. روی نوشته، فیلم‌هایی است که اولا دارای استاندارد لازم باشد و ثانیا قصه‌اش در میدان جنگ روایت شود. وگرنه فیلم‌های مهمی مثل «عقاب‌ها» سراغ داریم ولی داستان‌شان بر پایه قهرمان است و در این دایره تعریف نمی‌شوند. منظورمان دقیقا فیلم‌هایی از جنس «تنگه ابوقریب» است که جنگ در آن‌ها شکل گرفته. سعی کردیم از هر کارگردان یک فیلم را انتخاب کنیم، وگرنه مشخص است که رسول ملاقلی‌پور و احمدرضا درویش بارها جنگ و صحنه‌های خونین آن را برای‌مان بازسازی کرده‌اند. در این فیلم‌ها علاوه بر خود صحنه‌های جنگ، قصه‌های فیلم هم بیننده را درگیر می‌کند. به همین خاطر است که نام این ۹ فیلم که درادامه درباره‌شان نوشته‌ایم، همچنان در ذهن مخاطبان باقی مانده است. در گزارش امروز همچنین نسبت فیلم با واقعیت احتمالی را بررسی کرده‌ایم.

مهاجر | ۱۳۶۸

کارگردان: ابراهیم حاتمی‌کیا

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ ابراهیم حاتمی‌کیا برداشت و دریافت خاص خودش را از جنگ و آدم‌های آن دارد. بنابراین «مهاجر» هم به شکل مستقیم درباره یک اتفاق واقعی نیست. بازخوانی این بخش از گفته‌های حاتمی‌کیا خالی از لطف نیست: فیلمنامه‌های اولی‌ام خیلی رادیکال بود. هواپیمای «مهاجر» به مثابه وجدان بیدار نسلی جنگ، از فراز نیستان‌های مجنون میزهای مذاکره را می‌دید و در دسر می‌ساخت. مهاجر عکس می‌انداخت و چیزهایی را لو می‌داد. خیلی تلاش می‌کنند سرنکونش کنند، ولی فرار می‌کند.

چگونگی انعکاس جنگ؟ آنچه در «مهاجر» ارجحیت دارد، نشان‌دادن سکانس‌های جنگی نیست بلکه این روح جنگ است که توسط کارگردان منتقل می‌شود. فیلم به‌خوبی آرمان یک نسل را به‌نمایش می‌گذارد که حالا این آرمان در دل جنگ می‌گذرد. طبعا روایت قصه در دل جبهه مستلزم نشان‌دادن جنگ است که در «مهاجر» شکل فیزیکی نبردها را هم شاهدیم.

مسئول جلوه‌های ویژه اصغر پورهاجریان

عیار فیلم مهاجر پنج جایزه از جمله بهترین فیلم و بهترین جلوه‌های ویژه هشتمین دوره جشنواره فیلم فجر را به خود اختصاص داد و جزو فیلم‌های محبوب منتقدان است.

هور در آتش | ۱۳۷۰

کارگردان: عزیزالله حمیدنژاد

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ عزیزالله حمید نژاد «هور در آتش» را براساس عملیات خاصی نساخته است.

چگونگی انعکاس جنگ؟ داستان فیلم «هور در آتش» در دل جنگ رخ می‌دهد با بهتر است بگوییم در جبهه می‌گذرد. امتیاز فیلم نه در صحنه‌های جنگی آن است که به انتقال فضای باورپذیر جبهه بازمی‌گردد. این فضا به‌همراه صحنه‌های درگیری آن قدر ملموس است که گاه احساس می‌شود با یک اثر مستند روبه‌رو هستیم. فیلم درظاهر رابطه عاشقانه یک پدر و پسر است(باباعقیل و رحمت) که راهی جبهه شده‌اند، رحمت به خط مقدم منتقل شده و باباعقیل به علت کهولت سن پشت جبهه مانده تا در انبار نان خدمت کند. پدر به خط مقدم می‌رود و اینجاست که شاهد صحنه‌های درگیری هستیم و جنگ را لمس می‌کنیم.

مسئول جلوه‌های ویژه محمدرضا شرف‌الدین

عیار فیلم «هور در آتش» در جشنواز دهم فجر نامزد دریافت چندین سیمرغ بود و درنهایت سیمرغ بهترین جلوه‌های ویژه را به‌دست آورد. این فیلم مورد توجه منتقدان هم قرار گرفته و از آن به‌عنوان یکی از بهترین فیلم‌های جنگی یاد می‌شود.

سجاده آتش | ۱۳۷۲

کارگردان: احمد مرادپور

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ احمد مرادپور، «سجاده آتش» را براساس عملیات کربلای ۵ کارگردانی کرد.

چگونگی انعکاس جنگ؟ ازجمله فیلم‌هایی است که جنگ را به تمام معنا می‌توان در آن دید. داستان در هنگامه عملیات کربلای ۵ می‌گذرد که رزمندگان دوگردان مالک و حبیب با ماشین نظامی دشمن درگیر می‌شوند. لحظاتی درونی و عمیق، با نبردی پرحجم و سنگین آمیخته می‌شود. شرایط نابرابر این نبرد و خصوصیات خاص مهدی و عباس (فرماندهان بسیجی) حالات و اتفاقاتی، خارج از انتظارات و پیش‌بینی‌های معمول جنگ‌ها را، سبب می‌شوند. نفس مخاطب با دیدن صحنه‌های جنگی بند می‌آید خاصه آن که تا پیش از این جنگ با چنین وسعت و این‌گونه عریان در فیلمی سینمایی به تصویر درنیامده بود.

مسئول جلوه‌های ویژه محسن روزبهانی

عیار فیلم «سجاده آتش» یکی از جنگی‌ترین فیلم‌های جنگی ما است که علاوه بر نمایش صحنه‌های نبرد، قصه‌ای جذاب و پرکشش دارد. این فیلم محبوب طیف زیادی از منتقدان است و در جشنواره دوازدهم فجر در بخش فیلم‌های اول و دوم، سیمرغ بلورین بهترین فیلم را به‌دست آورد.

سفر به چذابه | ۱۳۷۴

کارگردان: رسول ملاقلی‌پور

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ «سفر به چذابه» اشاره مستقیم به عملیاتی ندارد. زنده‌یاد ملاقلی‌پور داستان شخصی به‌نام وحید را روایت کرد که درحال ساختن یک فیلم جنگی است؛ او از علی دوست آهنگساز دعوت کرده تا با دیدن قسمت‌هایی از فیلم که آماده شده، آهنگی بسازد اما علی نمی‌تواند با فیلم ارتباط درستی پیدا کند. آن‌ها در منطقه جنگی‌اند که یاد گذشته می‌افتند و داستان وارد فضای دفاع مقدس می‌شود.

چگونگی انعکاس جنگ؟ «سفر به چذابه» تصویری تکان‌دهنده از مقاومت و مظلومیت رزمنده‌ها را نشان می‌دهد. فیلم بر اساس از سکانس‌های ضد و خورد و مخاطب احساس می‌کند در موقعیت جنگ قرار گرفته. رسول ملاقلی‌پور در کنار این تصاویر تکان‌دهنده، قصه اش را بر کشش تعریف می‌کند.

مسئول جلوه‌های ویژه اکبر محمدی

عیار فیلم «سفر به چذابه» جزو ساخته‌های تحسین‌شده رسول ملاقلی‌پور است که بارها توسط منتقدان تمجید شد. این فیلم اگرچه چندسال فرصت اکران پیدا نکرد اما منتقدان آن را به‌عنوان یکی از فیلم‌های مهم سینمای دفاع مقدس انتخاب کرده‌اند.

دوئل | ۱۳۸۲

کارگردان: احمدرضا درویش

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ فیلم به اتفاق واقعی اشاره ندارد. داستان «دوئل» از جایی شروع می‌شود که در بحبوحه جنگ عده‌ای شاکی می‌کنند از خروج یک گاوصندوق از کشور جلوگیری کنند. زینال به آن‌ها شک کرده و سعی می‌کند گاو صندوق را از چنگ‌شان دربیاورد. گاوصندوق در اروند غرق و زینال اسیر می‌شود. داستان فیلم ۲۰ سال بعد و پس از آزادی زینال ادامه می‌یابد و در حین درگیری برای تصاحب گاوصندوق حقایقی کهنه آشکار می‌شود.

چگونگی انعکاس جنگ؟ احمدرضا درویش توانایی ویژه‌ای در خلق صحنه‌های جنگی دارد. او در ساخت فیلم‌های بیگ‌بروداکشن صاحب تبحر است و این توانایی را بیش‌تر در «کیمیا» و «سرزمین خورشید» نشان داده بود. در «دوئل» نیز موفق شد صحنه‌های دهشتناک موشک و بمباران را به‌تصویر بکشد که گویی در دل معرکه هستیم.

مسئول جلوه‌های ویژه محسن روزبهانی

عیار فیلم بر سر «دوئل» مناقشه است؛ برخی داستان را دوست دارند و برخی نه. فیلم در اکران به موفقیتی که باید، دست نیافت ولی این‌ها دلیل نمی‌شود که تلاش درویش را نادیده بگیریم. «دوئل» در جشنواره فجر ۹ سیمرغ به‌دست آورد.

حمله به اچ۳ | ۱۳۷۳

کارگردان: شهریار بحرانی

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ این فیلم با الهام از عملیات اچ۳، که از عملیات‌های هوایی موفق و مهم در جریان جنگ ایران و عراق بود، ساخته شد.

چگونگی انعکاس جنگ؟ عملیات حمله به اچ۳ جزو افتخارات دوران دفاع مقدس ثبت شده. شهریار بحرانی با دراماتیزه کردن این اتفاق واقعی یک فیلم جذاب است. داستان از جایی شروع می‌شود که ستاد نیروهای هوایی عراق که برتری نیروی هوایی ایران را حس کرده است و شکست حمد آبادان را نزدیک می‌بینند، برای حفاظت از هواپیماهای استراتژیک خود دربرابر حملات ایران، آن‌ها را به سه پایگاه دورافتاده در نزدیک مرز اردن منتقل می‌کنند. حمله به اچ۳ از صحنه‌های جنگی زیادی برخوردار است و توانسته فضای درگیری را به‌خوبی منتقل کند. با تماشای این فیلم بخش‌هایی از جنگ برای مخاطب تجسم می‌شود.

مسئول جلوه‌های ویژه جواد شریفی‌راد

عیار فیلم «حمله به اچ ۳» به‌دلیل داستان مهیج؛ همچنان دیدنی است به‌ویژه اینکه می‌دانیم براساس یک اتفاق واقعی ساخته شده. از نظر پروداکشن هم جزو آثار موفق محسوب می‌شود. ضعف هم دارد اما نقاط قوت آن غالب است.

ایستاده در غبار | ۱۳۹۴

کارگردان: محمدحسین مهدویان

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ فیلم درباره زندگی جاویدالاثر، حاج‌احمد متوسلیان است و به عملیات‌هایی که ایشان فرماندهی‌شان را برعهده داشته می‌پردازد.

چگونگی انعکاس جنگ؟ در لحظات زیادی فیلم در دل جنگ می‌گذرد و شرایط سخت این نبرد را نشان می‌دهد. «ایستاده در غبار» چون ساختار مستندگونه دارد، مخاطب را به دل جنگ می‌برد.

مسئول جلوه‌های ویژه ایمان کریمیان

عیار فیلم محمدحسین مهدویان ثابت کرد که می‌توان خارج از کلیشه‌ها سراغ قهرمان‌های دفاع مقدس رفت؛ فیلم «ایستاده در غبار» هم ساختاری مستندگونه دارد و هم قهرمانش با سفید سفید نشان نمی‌دهد. یعنی می‌توان فیلم را دید و با داستانش همراه شد و از آن سو قهرمانی را به تماشا نشست که در وهله اول یک انسان است، با همه قوت و ضعفی که دارد. حاج‌احمد متوسلیان انسان بزرگی است اما این بزرگی باعث نمی‌شود که خطای انسانی‌اش نادیده گرفته شود. نکته مهم دیگر درباره فیلم «ایستاده در غبار» این است که پس از تماشای آن حتی اگر کسی کج‌کتریتر شناختی از حاج‌احمد متوسلیان نداشته باشد، با او آشنا می‌شود.

تنگه ابوقریب | ۱۳۹۶

کارگردان: بهرام توکلی

بر اساس کدام عملیات ساخته شد؟ در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۷، حمله وسیعی سراسر جبهه جنوب را درگیر می‌کند، یکی از نقاط حساسی که دشمن قصد عبور از آن و رسیدن به شهرها و جاده‌های کلیدی ایران را دارد، تنگه ابوقریب است؛ تنگه‌ای که نام و خاطره‌اش در میانه تاریخ رسمی روزهای پایانی جنگ گم شده. این تنگه محل مقاومت افراد گردان عمار است.

چگونگی انعکاس جنگ؟ توکلی آنقدر واضح و روشن جنگ را به نمایش گذاشته که مخاطب حضور در میدان جنگ را احساس می‌کند. «تنگه ابوقریب» خود جنگ را می‌کند بدون اینکه بخواهد از عناصر اضافی کمک بگیرد. حتی موسیقی هم برخلاف آثاری که بار احساسی کار را با موسیقی تامین می‌کنند، چندان پررنگ نیست. درواقع فیلم هرانداز از شعار و کلیشه دور شده، بر واقعیت ماجرا افزوده و برخلاف بسیاری از فیلم‌های جنگی برای القای بار احساسی و عاطفی ماجرا، گرفتار نماد‌ها و کلیشه‌های تکراری نشده.

مسئول جلوه‌های ویژه محسن روزبهانی

عیار فیلم «تنگه ابوقریب» دوسال پیش در جشنواره رونمایی شد و تحسین خیلی‌ها را برانگیخت. جایزه بهترین فیلم را به‌دست آورد ولی برخی منتقدان و مخاطبان هم عقیده دارند قصه‌اش گیرا نیست و نتوانسته حق مطلب را درباره سوژه ادا کند.

محسن روزبهانی مسئولیت جلوه‌های ویژه پنج‌فیلم مهم جنگی را بر عهده داشته است. او در این زمینه صاحب تبحر است و حضورش به باورپذیری صحنه‌های جنگی کمک شایان می‌کند. «دوئل» احمدرضا درویش، «سجاده آتش» احمد مرادپور، «روز سوم» محمدحسین لطیفی، «تنگه ابوقریب» بهرام توکلی و «۲۳نفر» مهدی جعفری فیلم‌هایی هستند که روزبهانی به‌عنوان مسئول جلوه‌های ویژه با آنها همکاری داشته است.

05

«دوئل» موفق‌ترین فیلم در جشنواره فجر است که ۹ سیمرغ بلورین از جمله بهترین کارگردانی را به‌دست آورد. این فیلم گران‌ترین فیلم دفاع مقدس هم شناخته می‌شود که با سرمایه بخش خصوصی به‌ثمر رسید. فیلم در اکران عمومی نتوانست موفق عمل کند.

09

«۲۳نفر» نازه‌ترین فیلم با موضوع دفاع مقدس است که از سه‌هفته پیش اکران عمومی شد. این فیلم صحنه‌هایی واقعی از دوران اسارت پیش روی مخاطب قرار می‌دهد و به همین خاطر توسط خانه عام تحسین شده است. ۲۳نفر ظرفیت فروش بیشتری داشت ولی فعلا حدود ۸۰۰میلیون تومان فروخته است.

15

زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور ۱۵ فیلم ساخت که ۱۲تای آن دارای صحنه‌های جنگی است. در این میان «پرواز در شب»، «افق»، «نجات یافتگان»، «مزرعه پدری»، «فیلمی به سوی ساحل»، «سفر به چذابه» و «هیوا» بیش از دیگران جنگ را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند. این کارگردان در ساخت صحنه‌های نبرد صاحب تبحر بود.

03

فضای ملتهب جنگ

بازخوانی گفته‌های بهرام توکلی که نام یکی از فیلم‌های اکشن جنگی را در کارنامه دارد. او درباره چگونگی خلق تنگه ابوقریب چه گفته بود

یکی از فیلم‌های پر بحث سال‌های اخیر، تنگه ابوقریب است. بر سر کیفیت فیلم بهرام توکلی اتفاق نظر وجود ندارد اما همگان معتقد هستند که فیلم در نمایش صحنه‌های جنگ موفق عمل کرده. تا جایی که مخاطب خود را در صحنه نبرد احساس می‌کند. پیش تر با بهرام توکلی درباره همه ابعاد تنگه ابوقریب صحبت کردیم. حالا به مناسبت پرونده امروز، مرور گفته‌های این کارگردان خالی از لطف نیست. به‌ویژه این که حالا به خاطر انتشار نسخه خانگی، تعداد مخاطبان تنگه ابوقریب گسترده‌تر شده است.

به نظر شما مرز روایت واقعیت در سینمای دفاع مقدس تا کجا است؟

اشتباهی که شاید سینمای جنگ ما را در بخش‌هایی به حاشیه برد این بود که احساس کردیم اگر جنگ را با تمام واقعیتش به تصویر بکشیم ممکن است برخی از آرمان‌ها و ارزش‌ها گم شوند در حالی که زمانی که می‌خواهید قهرمانی یک فرد را نشان دهید باید در ابتدا فضای ترسناکی را که او در آن مقاومت کرده، نشان دهید. اگر فضایی غیرواقعی به تصویر بکشید ناچار به شعارگویی خواهید رسید. برای نمایش ایثار باید ابتدا فضای جهنمی جنگ را با تمام سختی‌اش به تصویر کشید تا بزرگی روح این آدم‌ها برای مخاطبی که در آن فضا نبوده مشخص شود. نوع نگاه شعاری و البته هزینه‌های بالای ساخت فیلم جنگی باعث شد سینمای جنگ در ایران به حاشیه برود.

یکی از نکته‌های فیلم صحنه‌های اکشن است تا جایی که رنگ خشونت هم می‌گیرد.

هنگامی که مشغول فیلمبرداری بودیم بسیاری از دوستانی که شاهد کار بودند می‌پرسیدند که این صحنه‌ها خشن نیست؟ من هم می‌گفتم که فیزیک جنگ به هر حال خشن است و زمانی که یک گردان به خط مقدم می‌رود و نیمی از آن‌ها زنمی گردند به هر حال تفریح که نمی‌کنند. کشته می‌شوند و در همین شهید شدن و جانباز شدن خشونت و خاک و خون و تکه پاره شدن وجود دارد. تا تماشاگر این خشونت فیزیکی را شاهد نباشد متوجه میزان ایستادگی فرد نمی‌شود و به همان ارزش‌هایی که همه به آن معتقدیم واقف نمی‌شود. الگوی ما هم در اجرا تصاویر مستند و عکس‌ها بود. تمامی پلان‌ها و حتی فرجام شخصیت‌ها از جمله کارآکتری که امیر جدیدی آن را بازی می‌کرد را براساس تصاویر مستندی که می‌دیدیم طراحی می‌کردیم.

عمده ایرادی که به «تنگه ابوقریب» گرفته شد، عدم نمایش جبهه دشمن است. صحنه‌های جنگی خیلی خوب و تاثیرگذار شده ولی چرا دشمن را حذف کردید؟

این دقیقا خواست ما بود که تماشاچی مقوعینی مشابه رزمندگان را از سر بگذراند. نشان دادن یک تصویر هلی‌شات که مختصات دشمن و تنگه را نشان دهد آسان بود اما می‌خواستیم مخاطب هنگام تماشای فیلم تجربه‌ای زیستی مشابه با تجربه رزمنده داشته باشد نه بیشتر. ما تحقیقات مفصلی درباره حس واقعی رزمندگان در زمان عملیات داشتیم. این یک عملیات از پیش کار شده با شناسایی و نقشه واضح و این مقدمات نبوده، واقعا رزمنده‌ها دقیقا نمی‌دانستند به کجا دارند می‌روند، نمی‌دانستند دشمن دقیقا کجاست، اینها همه فرق دارد با زمانی که شما می‌خواهی یک عملیاتی را که ماه‌ها فقط روی شناسایی‌اش کار شده به تصویر بکشی، روی اینها فکر شده، این عملیات ناگهانی و بدون شناسایی است پس باید متناسب با خودش به تصویر کشیده شود، تلاش کردیم جزئیات را بیاپیم و آن‌ها را تبدیل به سکانسی کنیم که سبار نزدیک به جنگ آن روزها باشد.

و مستندنمایی در راستای رسیدن به این هدف است؟

بله. تمام زمندگانی که تحت یک حمله شدید قرار گرفته‌اند می‌گویند ما موفقیت را گم کرده بودیم و نمی‌دانستیم که دشمن کجاست و دوستانمان کجا. در این جورموقعیت‌های زیر آتش گاه افراد به اشتباه نیروهای خود را هم هدف قرار می‌دادند چون جهت را گم می‌کردند. در فیلم هم از این گم کردن جهت استفاده کردیم تا تجربه زیستی مشابهی را به مخاطب منتقل کنیم. ما در گفت‌وگو با رزمندگان از آن‌ها می‌پرسیدیم زمانی که تشنه بودید به مرور چه اتفاقاتی رخ می‌داد و آن‌ها می‌گفتند که چشم ما سیاهی می‌رفت و همه چیز را ناواضح و کشیده می‌دیدیم و نمی‌توانستیم تصاویر را واضح ببینیم. باید افراد را از نزدیک می‌دیدیم تا آن‌ها را تشخیص می‌دادیم. بخشی از این به خاطر افت فشار خون بوده است. ما هم در اواخر فیلم سکانسی داریم که همه چیز کشیده است و صداها واضح نیست چون وضوح تصویر در چنین صحنه‌هایی تصنعی است و با آن تجربه زیستی که رزمنده در آن شرایط از سر گذرانده ربطی ندارد. کسانی که درس‌های ابتدایی کارگردانی را می‌دانند می‌توانند موقعیت دشمن را نسبت به نیروی خودی نشان دهند، به نظرم سطح بحث در این باره آنقدر بی‌توجه به مستندات و جزئیات فیلم و گاهی آنقدر ساده‌انگارانه است که گاهی آدم شک می‌کند دوستان شوخی دارند یا واقعا دارند نکته‌ای را درباره فیلم گوشزد می‌کنند، فکر می‌کنند فیلمی که هر پلانش در این ابعاد با این سختی ساخته شده نمی‌توانسته یک هلی‌شات نشان دهد و موقعیت را خط کشی کند؟ شیوه برداشت بلند را هم به همین دلیل انتخاب کردیم تا گیجی را به مخاطب منتقل کنیم و اینکه رزمنده نمی‌تواند با کات نفس بکشد، مخاطب هم باید مثل رزمنده این گیر افتادن در آن موقعیت را، این خلاصی نداشتن از این موقعیت را لمس کند. مسلما دشوار است که شما فیلم را از زاویه دید رزمنده‌های حاضر در آن موقعیت دکوپاژ کنید نه از نگاه کارگردانی که از بیرون قصه‌ای را روایت می‌کند.

و نقد دیگری که مطرح شد عبارت ضد جنگ است. به نظر شما نشان دادن پلشتی جنگ یعنی مخالفت با یک آرمان؟

در سینمای ایران برخی کلمات را بدون تفکر به معنای آن به کار می‌بریم. آنقدر این عبارت‌ها را تکرار کرده‌ایم که دیگر کسی به معنی آنها فکر نمی‌کند. عبارت «ضدجنگ» یکی از همین عبارات است. سینمای جنگ کرده سینمایی و ضدجنگ بودن یک نگرش است. شما نمی‌توانید یک نگرش را در برابر یک گونه سینمایی قرار دهید! اما مسئله خیلی ساده‌تر از این حرف‌هاست. باید مشخص کنیم کدام فیلم انسانی است که ضدجنگ نبوده و طرفدار جنگ باشد؟ مگر می‌شود فیلمی بسازید و تبلیغ جنگ کنید؟ تردیدی نیست که کسی قصد ندارد جنگ را پدیده‌ای زیبا جلوه دهد و هر فیلمسازی و هر انسان آزاده‌ای بالقوه ضدجنگ است.

درخود فیلم هم به این مفهوم به شکل مستقیم اشاره می‌شود؟

تفاوت ماهوی بین جنگ به معنای عام آن با جنگ هشت ساله ما که دفاع ملی بود وجود دارد و این تفاوت به طور مشخص حتی با دیالوگ واضح در فیلم توضیح داده می‌شود. این دوستانی که مقابل هر فیلم جنگی که شبیه آثار خودشان یا دوستانشان نیست سریع یک عبارت «ضد جنگ» می‌چسبانند تا فیلم را متهم کنند بدانند دوره این طور قضاوت‌های عجولانه گذشته، فیلم‌های جنگی همگی در ذات خود ضد جنگ هستند و در ضمن دوباره از دیالوگ فیلم را بین شخصیت مجید(جواد عزتی) و علی(مهدی قربانی) گوش کنید، جایی که مجید به علی می‌گوید: جنگ برنده نداره علی آقا... تو جنگ فقط کسایی برنده‌ان که اسلحه می‌فروشن و پول بادت نره ما نمی‌جنگیم... دارم از خونه و زندگیمون دفاع می‌کنیم... این دو تاره هیچوقت با هم دیگه قاطی نکن! البته علی،نوجوان فیلم به مرور فرق اینها را می‌فهمد ولی بعضی از افرادی که تنها تخصصان را به انداختن دسته‌بندی‌هایی از قبیل ضدجنگ وسیاه نمایی و روشنفکری و...نظیر اینهاست نیاز مبرم دارند دیالوگ‌های فیلم را گوش کنند تا اینها را با هم قاطی نکنند و این قدر سینمای ایران را به سمت دوقطبی نبرند. جنگ پدیده شومی است و امیدوارم هیچگاه این کشور جا بدار درگیر جنگ نشود. در فیلم دلاوری افرادی که به جبهه رفتند نشان داده می‌شود و رشتی‌ها و پلیدی و مخرب بودن پدیده جنگ هم سعی شده با همه ابعادش نشان داده شود، اینها تضادی با هم ندارند بلکه کامل کننده همدیگرند.

حسن فیلم را هم بگوییم و آن نمایش واضح جنگ است. چرا در این سال‌ها خیلی از سوژه‌ها را هشده؟

در سینمای دنیا هم این گونه است که تنها بخشی از جنگ را می‌توان به تصویر کشید مگر این که از رخداد آن سال‌ها گذشته باشد و نکته امنیتی باقی نمانده باشد. جنگی که ۳۰ سال از آن سپری شده را نمی‌توان به صورت کامل نشان داد. هنوز درباره جزئیات بسیاری از ناگفته‌های آن حساسیت‌های زیادی وجود دارد. ضمن این که ما نسبت به سینمای خودمان مقداری بی‌رحم هستیم و تنها محاسن سینمای فرنگ را می‌بینیم بی آن که توجهی به معایبش داشته باشیم. به عنوان مثال از این تفکر که مثلا رسول ملاقلی‌پور در زمینه تصویر کردن فیزیک جنگ از اسپیلبرگ چیزی کم ندارد خجالت می‌کشیم. فکر می‌کنیم کلا پدیده‌ها و افراد و حتی زبان و موسیقی و همه چیز فرنگ از همه چیز ما مهم‌تر، بی‌ایرادتر و جذاب‌تر است، در تمام زمینه‌ها این موضوع وجود دارد که از عدم اعتماد به نفس ملی ما نشات می‌گیرد. در واقع پدیده‌های فرنگی را بیشتر از پدیده‌های داخلی می‌پسندیم در حالی که در سینمای جنگ ما فیلم‌های شاخص بسیاری وجود دارد. این کوچک شمردن سینمای جنگمان هم مسلما در ادامه کمبود اعتماد به نفس ملی ما است. امیدوارم نسل تازه هم به سمت ساخت فیلم‌های جنگی روی بیاورد چون با حضور این نسل از دید من اتفاقات خوبی رخ خواهد داد.

به‌وضوح می‌توان متوجه سختی کار شما و فیلمبردار شد. با هم چگونه به بدستان داشتید تا هدف بر آورده شود؟

این فیلم پنجمین همکاری من با حمید خضوی ایبانه است. همان پروسه‌ای که در فیلم‌های پیشین طی می‌کردیم در «تنگه ابوقریب» هم وجود داشت به این معنا که از پروسه فیلمنامه ایشان همراه من بودند و به اتفاق هم به نوعی پردازش تصاویر رسدیم. خضوعی ایبانه نمونه‌های مختلفی از تصاویر برای من می‌آورد و پس از تعاملی این تصاویر همراه با ایشان و سعید مالکیان دربراره آن حرف می‌زدیم. حضور او به من کمک کرد تا فضاها شکل بگیرد و در نهایت با تمرین به محصولی رسدیم که به خواسته ما نزدیک بود. البته این اصل از نوع نخست وجود داشت که ما می‌خواهیم یک فضای مستند ارائه دهیم و قرار نیست جنگ را با فاصله نشان دهیم.

طبعا ساخت یک فیلم جنگی در اشل «تنگه ابوقریب» سخت است. برای شما چطور تجربه‌ای بود؟

در این فیلم حضور سعید ملکان باعث شد من سختی به لحاظ امکانات نداشته باشم. او یک ارتیست است و در طراحی کلیت و اجرای فیلم کنار شماست. او درباره روند کار پیشنهاد دارد و هنگام تولید سر فیلمبرداری تک تک پلان‌ها حاضر می‌شود. این حضور باعث می‌شود مشکلی به لحاظ امکانات نه از لحاظ خلاقیت افزاری و نه از لحاظ فکری حس نکنیم اما اجرای صحن